نظام استاد و شاگردی سخت گیرانه قارء

شاگرد: برخی قاری غیر رسمی هستند اما صبغه نمی‌گیرند. مثلاً آلآن یکی نفر مجتهد است اما کت و شلواری است. به او مجتهد مصطلح نمی‌گویند. در اهلسنت هم کسانی را داریم که قاری هستند اما آنها را در طبقات نمی‌آورند.

استاد: ببینید ما که طبقات می‌گوییم یعنی باید معلوم باشد استادش چه کسی است، به او اجازه داده ای ندادهٔ عرضاً و سماعاً و شاگردانش چه کسانی هستند. طبقات به این معنا است. و الا همینطور بگوییم شاید قاری بوده، بله خیلی بوده. الآن می‌خواهم برای اقسام تواتر از اینها شاهد بیاورم. اما مشکلی ندارم. ولی فعلاً که طبقات می‌گوییم به این خاطر است که برای ما محرز شود که شاگرد چه کسی بوده. سمعا و عرضا شاگرد بوده؟ مقری به شاگردش اجازه قرائت نمی داده الا بعد العرض. چون خودشان می‌گفتند چه بسا از استاد خود خوب شنیده است اما وقتی خودش قرائت می‌کند نمی‌تواند عین ادا استاد را در انواع اصول و فرش ادا کند. در فروش آسانتر است اما در اصول برای قاری سختتر است. لذا سمعا و عرضا است؛ یعنی بعد از اینکه برای استاد می‌خواند و می‌دیدی که به‌خوبی قرائت کرد، می‌گفت حالا به تو اجازه می‌دهم که شاگرد تربیت کنی. یعنی عین همانی که از من دیدی به شاگرد منتقل کنید.

این فضا برای متخصصین خیلی سنگین بود. یعنی متخصصین فن به این سادگی اجازه نمی دادند که در شوند. اما ما باورمان نمی‌شود. بعد از اینکه کتابها و خصوصیات را می‌بینیم، می‌بینیم که اینطور نبوده. من در اجازه بحارالانوار خواندم «ختمتین کاملتین»، از چه کسی؟ از علماء شیعه. می‌گویی یک کتاب قرائت را – که اسم می برد- دوبار خواندم. از کتابهای دیگر هم اسم می‌برد؛ می‌گویی جمیع کتب مکی، جمیع کتب دانی را اجازه دارم. فلان کتاب و فلان کتاب را خوانده‌ام؛ سماعا و عرضا. این از علماء بزرگ شیعه است که در بحارالانوار هم آمده است. یعنی اینطور نیست که بدون اینکه به اینها نگاه بکنیم یک چیزی بگوییم، بلکه باید با اینها انس بگیریم .

بازبینی #2
ایجاد شده 4 آوریل 2024 07:52:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 مه 2024 14:34:17 توسط ... .